

سیری در اخلاق اجتماعی امام حسن مجتبی علیه السلام

بررسی سیره علمی و عملی امام حسن مجتبی سلام الله علیه به عنوای پیشوایی از اهل بیت علیهم السلام دارای اهمیت فراوانی می باشد. دومین حجت خدا که در سال چهارم هجری بعد از پدر گرامیشان به مقام امامت و زعامت رسیدند، با دشمنی همچون معاویه هم عصر بودند. دسیسه معاویه و تحمیل صلح بر آن امام مظلوم، برگه از تاریخ مهم امامت امام مجتبی سلام الله علیه می باشد. برخورد و حضور اجتماعی امام حسن علیه السلام در جامعه، چه در حال حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله که کودک بودند و چه در دوران بعد از آن، مورد توجه افراد و گروه های مختلف بوده است. تواضع و حلم امام حسن مجتبی سلام الله علیه از مهم ترین ویژگی آن حضرت است که در لابلای تاریخ مسطور و دوست و دشمن بدان اشاره کرده اند. در این نوشته بر آنیم تا به نحو اختصار، برخی از سیره علمی و اجتماعی آن پیشوای الهی را در راستای افزایش معرفت دینی به مقام امام و امامت بیان کنیم تا با الگوگیری از منش اجتماعی ایشان، به سمت قله های اخلاقی و دوری از فضای مسموم بی اخلاقی دنیا حرکت کنیم.

نشست و برخورد با فقرا

در سیره اهل بیت علیهم السلام توجه به فقرا و کسانی که شاید از طبقه پایین اجتماعی برخوردار هستند، مورد توجه بوده و آن بزرگواران با قشر ضعیف جامعه ارتباط خوب و نیکویی داشته اند.

در روایتی امام حسن مجتبی سلام الله علیه روزی از کنار فقرا می گذشتند که به حضرت تعارف کردند،

امام در کنار آنان نشست و شروع به خوردن نمود چنان چه منابع مختلف تفصیل قضیه را چنین بیان کرده اند:

أَنَّهُ مَرَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَلَى فُقَرَاءٍ وَ قَدْ وَضَعُوا كُسَيْرَاتٍ عَلَى الْأَرْضِ وَ هُمْ قُعُودٌ يَلْتَقِطُونَهَا وَ يَأْكُلُونَهَا فَقَالُوا لَهُ هَلُمَّ يَا ابْنَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى الْعَدَاءِ قَالَ فَتَزَلَّ وَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ وَ جَعَلَ يَأْكُلُ مَعَهُمْ حَتَّى اكْتَفَوْا وَ الرَّادُّ عَلَى حَالِهِ بِرَكَتِهِ ثُمَّ دَعَاهُمْ إِلَى ضِيافَتِهِ وَ أَطْعَمَهُمْ وَ كَسَاهُمْ.

ابن شهر آشوب، محمد بن علي السروي المازندراني (المتوفى ٥٨٨هـ)، مناقب آل أبي طالب، ج ٤، ص ٢٣،

تحقيق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف، ناشر: المكتبة والمطبعة الحيدرية، ١٣٧٦هـ - ١٩٥٦م.

راوي مي گوید: حسن بن علي عليهما السلام بر فقرا عبور کرد که آنان خرده هاي نان را بر روي زمين گذاشته بودند و آن ها را بر مي داشتند و مي خوردند. آنان به آن حضرت عرض کردند: اي فرزند دختر رسول خدا، براي خوردن ناهار جلو بيا. راوي مي گوید: امام عليه السلام نزد آنان رفت و نشست و فرمود: خداوند افراد متکبر و مغرور را دوست ندارد. سپس همراه آنان شروع به خوردن نمود تا اينکه از خوردن دست کشيدند و به برکت حضور امام، غذا [با اينکه خورده شد] کم نشد و به حالت خود باقي ماند، امام حسن عليه السلام سپس آنان را به ميهماني خود دعوت، به آنان غذا و لباس داد.

در اين گزارش در ميابيم که امام حسن عليه السلام، بدون توجه به جاينگاه خود و اشاره به اينکه من چه کسی هستم، با تواضع کامل در کنار فقرا نشستند و از غذای آنان ميل فرمودند.

تواضع با کودکان

از ويژگي هاي اجتماعي - رفتاري امام حسن مجتبي سلام الله عليه، حُسن معاشرت ايشان با کودکان

بوده است. يافعي از علماي اهل تسنن به نقل از اساتيد و بزرگان سني مي نويسد:

ومن جوده أيضاً وشدة تواضعه: ما ذكره جماعة من العلماء في تصانيفهم أنه مر بصبيان معهم كسر خبز فاستضافوه ، فنزل من فرسه فأكل معهم ، ثم حملهم إلى منزله وأطعمهم وكساهم ، وقال اليد لهم لأنهم لم يجدوا غير ما أطعموني وأنا نجد أكثر منه.

اليافعي، عبد الله بن أسعد بن علي بن سليمان (متوفى ٧٦٨هـ)، مرآة الجنان وعبرة اليقظان، ج ١، ص ١٢٣،

ناشر: دار الكتاب الإسلامي - القاهرة - ١٤١٣هـ - ١٩٩٣م.

از سخاوت و شدت تواضع ايشان آنچه جماعتي از علماء در نوشته هاي خود بيان کرده اند، اين است که

او [امام مجتبي سلام الله عليه] بر کودکانی گذشت که نزدشان تکه نان هايي بود. آنان حضرت را ميهمان خود

کردند، حضرت از اسب خود پایین آمد و همراه آنان [از آن نان ها] خورد و سپس آنان را با خود به منزلش برد و به آنان لباس و غذا داد و فرمود: دستشان [همیني بود که] دادند [وسعشان این مقدار بود] و آنان چیزی جز آنچه به من دادند، نیافتند و ما بیشتر از آن را یافتیم [کم آنان را زیاد حساب کردیم].

در این گزارش نیز امام مجتبی با هیابت و مقام والایی که داشتند، همسفره کودکان شدند و با ملاطفت با آنان برخورد کردند.

آزاد کردن بنده

امام حسن علیه السلام از آنجائی که الگویی نیکو در جامعه اسلامی بودند، رفتار و منش آن حضرت نیز خاص و ویژه بوده است. روزی غلام حضرت، برای خشمگین ساختن ایشان پای گوسفندشان را شکست تا به خیال خود ایشان را خشمگین سازد، اما حضرت در مقابل، او را آزاد کردند چنان چه خوارزمی از علمای اهل تسنن نقل کرده است:

كان للحسن بن علي عليهما السلام شاة تعجبه، فوجدها يوما مكسورة الرجل، فقال للغلام: من كسر رجلها؟ قال انا. قال: لم؟ قال: لاغمنك قال الحسن: لافرحنك، انت حر لوجه الله تبارك وتعالى.

الخوارزمي، ابي المؤيد الموفق بن احمد المكي، مقتل الحسين عليه السلام، ج ۱، ص ۱۸۵. المحقق: محمد السماوي، تصحيح: دار انوار الهدى، دار النشر: منشورات دار الهدى، الطبعة الاولى، قم - ايران، ۱۴۱۸ق.

حسن بن علي عليهما السلام گوسفندي داشت که موجب خرسندي ایشان بود، روزی دید که پای این حیوان شکسته است، به غلام فرمودند: چه کسی پای او را شکسته است؟ غلام گفت من. سوال کرد: چرا؟ گفت چون می خواستم شما را غمگین بسازم. امام حسن علیه السلام فرمود: اما من تو را خوشحال می کنم، در راه خداوند متعال آزاد شدي.

این برخورد کریمانه از جانب امام حسن مجتبی سلام الله علیه در مقابل کسی که قصد خشمگین کردن آن حضرت را داشت، در نوع خود بی نظیر و البته حائز اهمیت است.

اجازه برخواستن

یکی از آداب اجتماعی مسلمانان در برخورد با یکدیگر، رعایت حرمت می باشد. نشست و برخاست و هم صحبت شدن با دیگران هرکدام دارای آدابی است که در جای خود باید مراعات شود. روزی امام مجتبی سلام الله علیه در جایی نشسته بودند که قصد رفتن داشتند اما کسی آمد، حضرت موقع برخاستن، از آن فرد به جهت رعایت حرمت او، اجازه گرفتند چنان چه ابی ابی شیبه در این زمینه نقل می کند:

أَنْ رَجَلًا جَلَسَ إِلَى الْحَسَنِ فَقَالَ لَهُ جَلَسْتَ إِلَيْنَا عَلَى حِينِ قِيَامِ مَنْ أِفْتَأَذُنْ.

إِبْنُ أَبِي شَيْبَةَ الْكُوفِيُّ، ابوبكر عبد الله بن محمد (متوفای ۲۳۵ هـ)، الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، ج ۵،

ص ۲۴۱، تحقیق: کمال یوسف الحوت، ناشر: مکتبه الرشد - الرياض، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۹ هـ .

مردی نزد حسن [بن علی علیهما السلام] نشست. ایشان به آن مرد فرمود: هنگامی نشستی که ما در

حال برخواستن بودیم، آیا اجازه می دهی؟

تمام رفتار حضرت دارای درس زندگی است حتی در نشست و برخاست خود که حرمت آن فرد را رعایت کردند.

برخورد با مرد شامی

برخورد با مرد شامی از جمله ویژگی ها و خصوصیات مشهور امام حسن مجتبی سلام الله علیه می باشد

چنان چه کتب مختلف تاریخی و حدیثی آورده اند:

أَنَّ شَامِيًّا رَأَى رَاكِبًا فَجَعَلَ يَلْعَنُهُ وَ الْحَسَنُ لَا يُرَدُّ فَلَمَّا فَرَغَ أَقْبَلَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ وَ ضَجِكَ وَ قَالَ أَيُّهَا الشَّيْخُ أَطْنُكَ غَرِيبًا وَ لَعَلَّكَ شُبِّهْتَ فَلَوْ اسْتَعْتَبْتَنَا أَعْتَبْنَاكَ وَ لَوْ سَأَلْتَنَا أَعْطَيْنَاكَ وَ لَوْ اسْتَرْشَدْتَنَا أَرْشَدْنَاكَ وَ لَوْ اسْتَحْمَلْتَنَا حَمَلْنَاكَ وَ إِنْ كُنْتَ جَائِعًا أَشْبَعْنَاكَ وَ إِنْ كُنْتَ غُرِيانًا كَسَوْنَاكَ وَ إِنْ كُنْتَ مُحْتَاَجًا أَعْنَيْنَاكَ وَ إِنْ كُنْتَ طَرِيدًا أَوْيْنَاكَ وَ إِنْ كَانَ لَكَ حَاجَةٌ فَضَيْنَاهَا لَكَ فَلَوْ حَرَكْتَ رَحْلَكَ إِلَيْنَا وَ كُنْتَ ضَيْفَنَا إِلَى وَفْتِ ارْتِحَالِكَ كَانَ أَعْوَدَ عَلَيْكَ لِأَنَّ لَنَا مَوْضِعًا رَحْبًا وَ جَاهًا غَرِيضًا وَ مَالًا كَبِيرًا فَلَمَّا سَمِعَ الرَّجُلُ كَلَامَهُ بَكَى ثُمَّ قَالَ أَشْهَدُ أَنَّكَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ

رسالاته ٦: ١٢٤ وَ كُنْتَ أَنْتَ وَ أَبُوكَ أَبْغَضَ خَلْقِ اللَّهِ إِلَيَّ وَ الْآنَ أَنْتَ أَحَبُّ خَلْقِ اللَّهِ إِلَيَّ وَ حَوْلَ رَحْلِهِ إِلَيْهِ وَ كَانَ ضَيْفَهُ إِلَيَّ أَنْ اِزْتَحَلَ وَ صَارَ مُعْتَقِدًا لِمَحَبَّتِهِمْ.

ابن شهر آشوب، رشید الدین اَبی عبد الله محمد بن علی السروی المازندرانی (متوفای ٥٨٨ هـ)، مناقب آل اَبی

طالب، ج ٣، ص ١٨٤، تحقیق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف، ناشر: المكتبة والمطبعة الحيدرية، ١٣٧٦ هـ - ١٩٥٦ م.

فرد شامی دید که ایشان [امام حسن علیه السلام] سواره است، شروع به لعنت کرد ایشان نمود و امام حسن علیه السلام به او پاسخی نمی داد. هنگامی که او سخنش تمام شد، امام حسن علیه السلام نزد او آمد و به او سلام کرد و خندید و فرمود: ای پیرمرد، گمان می کنم که غریبی و چه بسا مساله بر تو اشتباه شده است، اگر از ما رضایت بخواهی رضایت می دهیم، اگر چیزی بخواهی به تو عطا خواهیم نمود، اگر از ما راهنمایی بخواهی تو را هدایت می نمائیم، اگر حاجتی داشته باشی روا می کنیم، اگر گرسنه باشی تو را غذا می دهیم، اگر برهنه باشی لباس به تو می پوشانیم، اگر محتاج باشی تو را بی نیاز خواهیم کرد، اگر رانده شده باشی تو را پناه می دهیم، چنانچه احتیاجی داشته باشی به داد تو می رسیم، اگر اثاث مسافرت خود را بیاری و مهمان ما باشی تا موقعی که بخواهی بروی برای تو بهتر است. زیرا ما مهمانخانه ای داریم، مقامی وسیع داریم، ثروت فراوانی داریم. موقعی که آن مرد شامی این سخنان را از امام حسن علیه السلام شنید، گریان شد و گفت: شهادت میدهم که تو در روی زمین خلیفه خدائی، خدا بهتر می داند که مقام رسالت را کجا قرار دهد، تو و پدرت نزد من دشمن ترین خلق خدا بودید، ولی اکنون تو نزد من محبوبترین خلق خدائی.

کرامت انسانی امام حسن مجتبی سلام الله علیه در برخورد با این فرد شامی به خوبی دیده می شود و

مصدق آیه شریفه می باشد که خداوند متعال فرموده است:

وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ.

سوره فصلت، آیه ٣٤.

نیکی و بدی یکسان نیست. [بدی را] با بهترین شیوه دفع کن؛ [با این برخورد متین و نیک] ناگاه کسی

که میان تو و او دشمنی است [چنان شود] که گویی دوستی نزدیک و صمیمی است.

سیره و روش و منش اجتماعی امام حسن مجتبی علیه السلام راهنمای همه انسان های آزاده فارغ از هر گونه عقیده و منهجی می باشد که اقتدا به آن امام مظلوم، راهگشای بسیاری از مشکلات امروزی بشری می باشد.

موفق باشید

موسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف